

آوای رهایی

پراکنده های سینا مالکی
سی و یکم خرداد ماه ۱۳۸۷

چرا بنی صدر مساله شده است؟

در ادامه پست قبل، دعوای درون نظام جمهوری اسلامی (از راست گرفته تا چپ) درباره مساله بنی صدر روند جالب و طنزآمیزی به خود گرفته است. پس از تقاضای سردار جزایری (از کسانی که گفته می شود در مافیای قدرت و ثروت ایران نقش دارد) برای استرداد بنی صدر از فرانسه، امروز در سالگرد ۳۰ خرداد، آقای زیباکلام از همراهان پاک دل آقای رفسنجانی و جناب استاد جلال الدین فارسی (کاندیدای حزب جمهوری اسلامی در نخستین انتخابات ریاست جمهوری که به دلیل افغانی الاصل بودن مجبور به استعفا شد) در خیرگزاری فارس با هم به مناظره نشسته بودند. آقای جلال الدین فارسی که تا آن جا پیش رفته اند که انکار نمی کنند حداقل در قلب خود خواستار ترور بنی صدر هم بوده اند، آن جا که می گویند در گروه فرقان نفوذ داشته اند. جای توضیح این که گروه فرقان گروه بسیار پیچیده ای در تاریخ جمهوری اسلامی است که با توجه به وقایعی که بعدها اتفاق افتاد، عده ای حتی از نزدیکی آن ها به جناح هایی در حاکمیت کنونی سخن می گویند. قضاوت درباره سخنان آقای فارسی بر عهده خواننده، لازم به یاد آوری است این آدم که چندی پیش فردی را هم به قتل رسانده بود اما به لطف دستگاه قضایی نمی دانم چطور تبرئه شد؟ می شود کسی قاتل محرز باشد و تبرئه شود؟ خوب لابد می شود در دستگاه قضایی ما. به هر حال این آدم به قدری شنیع، بی ادبانه و مزخرف نوشته هست که اصلا جایی برای بحث ندارد و بهترین دفاع از بنی صدر محسوب می شود. دقیقا از جنس آن چه اکثر مخالفان بنی صدر برای کوبیدن او به کار می برند که شاه بیت نهایی آن هم این است، دیدید بنی صدر چگونه از ایران فرار کرد با لباس زنانه؟؟؟؟!!!! یکی هم نیست بگویند دوست عزیز اولاً استتار کجایش ایراد دارد؟ مثلاً در مورد همه شما که در زمان شاه مبارزه می کردید، اتفاق نمی افتاد با چادر زنانه بروید در جایی و حتی عملیاتی را هم طرح ریزی کنید؟ بعدش هم مسال اصلی در نگاه پست مردسالار شماسست که از نظر شما بنی صدر حقیر است چون لباس زنانه را پوشیده و فرار کرده است. من تا جایی که تحقیق کردم نشانی از درست بودن ادعای این افراد ندارم و سندی هم در این مورد که بنی صدر با چه پوششی از ایران مهاجرت کرده است، وجود ندارد. رضا گفت عکس هایش را دیده اما برای من که نفرستاد. عکسی هم که هست بنی صدر را با سبیل تراشیده نشان می دهد که من نمی دانم کجای این مساله ایراد دارد. این حرف هایی از جنس حرف های آقای فارسی فقط برای یک سری افرادی خوب است که با فرهنگ شارلاتان بازی از جنس ایشان خو گرفته اند.

اما آقای زیباکلام که خوب به دلیل پایبندی ایشان به گفتگوی دموکراتیک، باید بیشتر در سخنشان تامل کرد. شاه بیت حرف آقای زیبا کلام هم این است که بنی صدر باید با گروه های خط امام که آقای فارسی در آن زمان و آقای حسن آیت (از نزدیکان مظفر بقایی رهبر حزب زحمتکشان که خود در گفتگویی با خواهر زاده خود هم اعتراف کرده بود دستورهایش را از بخش هایی از حکومت بریتانیا می گیرد)، نمایندگان فکری شان بودند می ساخت. مثلاً همان طور که آقای زیباکلام با آقای رفسنجانی ساخته است. اما آقای زیباکلام نمی گوید که منیتی که ایشان از بنی صدر یاد می کند، منیت بود یا دفاع از حق حاکمیت ملی؟؟ آقای زیباکلام به یاد می آورند مرحوم بازرگان در نطقی در مجلس در دفاع از رئیس جمهور و انتقاد از بهشتی گفتند که: «ملاقات با سفیر خارجی، ملاقات با وزیران خارجه کشورها، مذاکره بر سر گروگان ها، تعیین نخست وزیر، تعیین وزرا، دخالت در رادیو و تلویزیون و... شده است کار رئیس قوه قضائیه کشور و رئیس جمهور هیچ کاره» آقای زیباکلام از کدام میدان دادن به بنی صدر سخن می گویند؟ از این که اعتبار نامه همان اندک انسان هایی که علی رغم تقلبات گسترده حزب جمهوری اسلامی توانسته بودند به مجلس راه یابند، توسط دوستان خط امامی ردشان کردند؟ مساله اصلی این بود که بنی صدر بر سر دفاع از حق آزادی و حاکمیت ملت حاضر به معامله با جناحی نشد که همه چیز را برای خود می خواست. گروهی از افرادی که نقش موثری در روزهای قیل از پیروزی انقلاب نداشتند، اما به یک باره طالب همه چیز شده بودند. گروهی که از یاد برده بودند مبارزات مردم ایران ریشه در چه دارد و چه کسانی بن بست مبارزه را شکستند و... آقای زیباکلام! نه! بنی صدر تعقل سیاسی شما را نداشت تا هم کاسه آقای رفسنجای و دیگرانی شود که تاریخ نشان داد تا چه حد به آزادی، عدالت و حاکمیت مردم اعتقاد داشتند.

اما جدای از این ها چرا مساله بنی صدر مهم شده است؟ این سنوالی است که من در پی یافتنش هستم و دوستانم هم اگر نظری دارند ممنون می شوم. آیا بخش های عاقل جمهوری اسلامی به دنبال آلترناتیو برای روز مبدا می گردند؟ در روزهایی که دکتر یزدی هم از بازگشت به پیش نویس قانون اساسی سخن می گوید، حرفی که ۲۷ سال پیش بنی صدر زد با حفظ نام جمهوری اسلامی که واقعا هم بهترین حالت ممکن تغییرات بی خشونت در ایران هست، چرا دوباره نام بنی صدر که می خواستند فراموش شود به زبان ها افتاده است؟ آیا نظرات اخیر بنی صدر در حوزه جدل روشنفکری دینی که بر نظرات دیگر روشنفکران دینی چربیده است، سبب ترس حکومت شده، سناریوهای زیادی می توان گفت که روزهای آینده شاید جواب بهتری بدهد، اما این بحث ها بودار هست.